

## دوبلورها

# ۸۸

عکس‌ها:محمدرضا جان‌بنده،شهراد بانکی

همه چیز دربارهٔ دوبله کارتون‌های قدیمی و دوبلورهایشان

# کمپانی

# صداها!

نوید غضنفری

معمولا لید این نوع مطالب که نوستالژی دوران بچگی است، احساسی نوشته می‌شود. این که آن خاطرات با صداها ی گرمشان مثل تمام چیزهای زیبای خلقت فقط یک‌بار سراغمان آمدند و دیگر خبری ازشان نیست، نشد نگه‌شان داریم برمی‌خوریم.
حُب اگر قرار است «چیزی» احساس شود، توی مطلب خواهید خواند، واقیقت‌ها از الان مشخص شود، بهتر است:

۱–دوبله، مقوله‌ای است که هیچ‌سند و مدرک و آمار دقیقی از آن موجود نیست. هر از گاهی که مطلبی دربارهٔ این حرفهٔ مبهم چاپ می‌شود و اطلاعاتی داده می‌شود، حاصل حافظهٔ علاقه‌مندان به دوبله است. حتی به خاطره‌های خود دوبلورها نباید امید بست. چون آن‌ها میان نقش‌هایی که گفته‌اند غرق شده‌اند!
۲–دوبله، مقوله‌ای است که فقط وقتی مطلبی درباره‌اش چاپ می‌شود، متولی پیدا می‌کند و تا قبل از آن هیچ‌کس به فکر نیست که یا پیش بگذارد و روزنه‌ای نور به نقاط مبهم و گاهی کور این شاخه از هنر پیشگی، بتایاند.
۳–ای آقا، حرفی است می‌فرمایید، حتی فرهنگ فیلم‌بهباز رحیمیان و بهروز دانشفر هم ناقصی دارد، اصولا این فرهنگ‌ها درمی‌آیند که ثابت کنند هنوز راه مانده تا تکمیل آمار دقیق آن مقوله! تازه ببلی وایلدر عزیز هم گفته:«هیچ کس کامل نیست.»

۴–فرهنگ صدایپیشگان کارتون که قصه‌اش از قبلی هم پیچیده‌تر است. بعضی از دوبلورها هم این مقوله را جدی نمی‌گیرند غافل از این‌که بزرگ‌ترین بازیگران هالیوود برای انیمیشن، صدایپیشگی کرده‌اند و به آن افتخار می‌کنند. خیلی از صداپیشگان دههٔ ۱۹۶۰ (مثل داس تالتر) که اصلا با په‌های فرهنگ پاپ تلویزیونی رابنا کردند. از این که باز هم برای آمار دادن در این زمینه پیشقدم شده‌ایم به خود می‌بالیم و همهٔ دردسرها بعدی‌اش را هم با کمال میل به جان می‌خریم.
۵–مجموعه‌ای که پیش‌روی شما است، فقط صدایپیشگان کارتون‌هایی را که دههٔ ۱۳۶۰ از تلویزیون یخش می‌شدند پوشش می‌دهد.

۶–اصولا بحث دوبلوری از صدایپیشهٔ تبیبیک جدا است. هر دوبلوری الزاما تیب گو نیست. شده که دوبلوری آمده و با صدای زیبا و طبیعی خودش به جای کاراکتری کارتونی حرف زده است، ولی این‌جا (به جز یکی دو مورد استثنا) به تیب‌گوها پرداخته شده و برایشان مدل‌خ هست.

## بانوی دوبله ایران

کاراکترهای کارتونی مانند گاری را گفته و برای همین، نامش را میان گویندگان کارتون می‌آوریم. خیلی از دوستداران دوبله به خاطر شخصیت حرفه‌ای‌اش به او «بانوی دوبله ایران» می‌گویند، عنوانی که پیشتر از این به مرحوم زاله کاظمی دادند. در سریال داستانی محبوب «سال‌های دور از خانه» به جای اوشین حرف می‌زد و در سریال «قصه‌های جزیره» نقش سارا استنلی (سارا پولی) را می‌گوید. سال‌ها پیش، صدایش را روی مسافر کوچولو شنیدیم و کلی با آن خاطره داریم. کاراکتر کارتونی‌ای که باعث شد سال‌ها شازده کوچولو ی مخلوق سنت‌گروپری را با چشم‌های درشت و شبیه به سایر کاراکترهای کارتونی ساخت ژاپن تصور کنیم؛ و «گل سرخ»‌اش را – بخواییم و نخواییم – مثل همان دخترکی مجسم کنیم که کلی ادا در می‌آورد تا از داخل گل بیرون بیاید! مریم شسیرزاد در «جزیره ناشناخته» به‌جای سرن‌دپیبتی حرف می‌زد، همان مخلوق عجیب و مهربان دوست کتا که در یک قسمت، از بزرگی‌اش استفاده کرد و بین خانهٔ دو نفر از اهالی کوچک‌اندام جزیره که با هم دعوایشان شده بود و مرتب به سمت هم تیر پرتاب می‌کردند، قرار گرفت تا دعوای آن دو به این ترتیب خاتمه یابد! صدای مریم شسیرزاد برای چهرهٔ نیکول کیدمن، در این فقدان صدای زاله کاظمی، بهترین انتخاب است و «داگویل» با صدای او است.



### سرن‌دی پیتی

مریم شیرزاد

## منفورترین بدمن کارتون‌ها!

کاپیتان لیچ بدجنس و شرور «ماجراهای گالیور» که دائم گالیور و دوستانش را تعقیب می‌کرد و بعد از این که در پایان هر قسمت یک طوری شکست می‌خورد و حالتش گرفته می‌شد، تکرار می‌کرد: «بالاخره گیت می‌ندام گالیور».
شهروز ملک آرابی، منفورترین بدمن‌های کارتونی آن موقع را با صدایش خلق می‌کرد. اگر یادتان مانده باشند، در هر قسمت از «بوگی و دوستان» یک کاراکتر منفی بود که در درساز می‌شد، مثل آقای نظافت که تمام سلاح‌هایش یک جورایی وسایل پاکیزگی بود و به ما بچه‌ها یاد می‌داد که پاکیزگی بیش از حد هم دردسرساز است! اما صدای ملک آرابی آن قدر انعطاف دارد که بتواند تیب‌هایی مثبت را همان طوط جذاب دربیارد. مثلا وزیر معرک «سیندرا» را یادتان هست؟ همان که ریش و سبیل مسخره‌ای داشت و از پادشاه (با صدا و اجرای بی نظیر مرحوم ایرج ناظریان) مثل سنگ می‌ترسید و مرتب اطاعت می‌کرد و «بب بل بل بله قربان…!» یا «هن ن نه نخیر قربان…» می‌گفت، یا جان کوچولو در «رابین هود» که دوست صمیمی و وفادار رابین بود. او در مورد اهمیت کارتون و دوبلهٔ خوب آن و تأثیرش روی بچه‌ها می‌گوید: «کارتون تأثیر زیادی روی بچه‌های یک دوره و نسل می‌گذارد و به آن‌ها بینش و تلقی‌ای نسبت به جامعهٔ اطرافشان می‌دهد. تازه وقتی بزرگ‌تر می‌شوند، با نگاه جدیدتری همان کارتون‌ها را می‌بینند. کارتون روی تمامی افراد جامعه تأثیر گذار است، اما باید ترجمهٔ خوب، مدیر دوبلاژ ماهر و گوینده‌های باتجربه داشته باشد تا ماندگار شود. ولی الان کارتون گویی کلاس درسی شده برای کسانی که تازه می‌خواهند دوبله را یاد بگیرند، اول می‌گویند برو کارتون بگو! آن موقع گوینده، پختگی‌اش در دوبلهٔ سینما رادر کارتون نشان می‌داد. در تمام دنیا هم بازیگران بزرگ سینما، کارتون می‌گویند. ممکن است عده‌ای خاص به سینما بروند و فیلم ببینند، اما کارتون و برنامه‌های تلویزیونی را میلیون‌ها نفر خواهند دید و بسیار تأثیر گذار است.» آقای وویی هم که با آن کمد

بر از خرت و پرتش، حالا دیگر برای بچه‌ها و بزرگتر‌های آن دوره تبدیل به یک اصطلاح شده، یکی دیگر از کارهای ماندگار اوست. همان که هر وقت تنسی و چاملی در مأموریت‌هاشان با مشکلی مواجه می‌شدند، با تخته سیاه سه بعدی شگفت‌انگیزش همه چیز را برایشان توضیح می‌داد و البته با تمام این حرف‌ها دست آخر، تنسی و چاملی مأموریت را خراب می‌کردند.

## جان کوچولو

شهرز ملک آرابی

## مادرهاچ



ناهید شععانی

## مادر کارتون‌ها

بسیاری از شخصیت‌های «مادر» در کارتون‌ها، با صدای او است. در «هاچ، زنبور عسل» دیدن چهرهٔ مادر هاچ، به دغدغهٔ ازلی ابدی‌مان تبدیل شده بود و فقط گاهی در رؤیاهای هاچ می‌دیدیم‌اش. ناهید شععانی به جای مادر هاچ حرف می‌زد، ضمن این که راوی داستان هم بود. در «بچه‌های کوه‌آلپ» به جای مادر آنت حرف می‌زد و نقش خواهر لوسین را هم می‌گفت و در «حنا دختری در مزرعه» به جای عمه خانم حرف می‌زد. ناهید شععانی، همسر مرحوم مهدی اژیر، در حال حاضر بیشتر مدیر دوبلاژ است و مدیریت دوبلاژ بسیاری از سریال‌های پرفرستار مثل «پرستاران» و «افسانه عقاب‌های مبارز» را به عهده دارد. او در «هادی و هدی» به مدیریت مرحوم اژیر به جای شخصیت مادر هادی و هدی حرف می‌زد. ناهید شععانی از معدود دوبلورهایی است که می‌گوید: «کیفیت دوبله نسبت به گذشته هیچ فرقی نکرده. مدیران دوبلاژ و گویندگان فعلی کارتون‌ها هم نسبت به گذشته تفاوتی نکرده‌اند و به همان اندازهٔ سابق، وقت و انرژی برای دوبلهٔ کارتون‌ها گذاشته می‌شود. اما آن موقع‌ها کارتون‌های بیشتری خریداری می‌شد و گویندگان برای اجرای نقش‌ها دستشان بازتر بود.»

## زوج حیلہ‌گر

پیش از انقلاب در کارتون‌هایی مثل «عصر حجر»، «باگزبانی»، «شارلوت» و بسیاری دیگر، حرف زده که متأسفانه همهٔ نقش‌ها در ذهن ایشان باقی نمانده است. اما ما صدایش را با کاراکتر روپاه مکار در «پینوکیو» می‌شناسیم. تیب شرور و در دهکده حیوانات» با صدایی بسیار زیر به جای روپاه حرف می‌زد. همان روپاهی که همراه دارا گویو گربه، تیم خلاف‌بچه‌های دهکده را تشکیل می‌دادند. عبادی در «موش کوهستان» به‌جای روپاه قرمز حرف می‌زد، همان که همیشه شالی دور دندش بود و همراه مادرش (با صدای مرحوم آذر دانشی) زندگی می‌کرد و روپاه مادر بیشتر از این‌که به فکر پر کردن شکمشان باشند، دلش می‌خواست؛ پسرش از خرگوش زبروز رنگ جنگل رودست‌نخورد. اما ماندگارترین تیبی که عبادی با صدایش خلق کرده، بوشوگ در «لوک خوش شانس» است. او دربارهٔ این‌که بوشوگ از سایر تیب‌هایش بیشتر طرفدار دارد می‌گوید: «شاید به این دلیل است که ما کارتون‌گوها همیشه از تیب‌هایی شبیه به هم استفاده می‌کنیم، اما بوشوگ برای همهٔ تاژگی داشت و آقای خسروشاهی (مدیر دوبلاژ اولین سری لوک) از جمله‌های بداهه‌ای که می‌گفتم استقبال می‌کرد. این سگ، خنگ بود و باید جمله‌های غیر طبیعی می‌گفت. مثلا وقتی غذایی می‌خورد که خوشش می‌آمد، می‌گفتم: یا تیب بوشوگ حرف می‌زند: «وا‌ه، چه غذای خوشمزهای!»

## روپاه مکار



## پینوکیو

نادره سالارپور

## من همون پینوکیو هستم!

در ابتدای کاست ماجراهای سندباد شرکت چهل و هشت داستان، یک تبلیغ بود: موسیقی آشنای کارتون «پینوکیو» را می‌شنیدیم و پینوکیو نفس زنان سر می‌رسید، انگار که توی نوار هم از دست گربه‌نره و روپاه مکار در امان نبود و با صدای آشنایی که حالا به نوستالژی تمام دوران بچگی‌مان تبدیل شده، می‌گفت: «این‌جا کجا است، من کجام؟ تو شرکت چهل و هشت داستان، همون جا‌که داستانی‌اش قشنگ سوپراسکوپ درست می‌کنه، ا بچه‌ها شماهام که اینجاین…مـو که میشناسین، من همون پینوکیو هستم…» صدای نادره سالارپور با آن لحن توصیف‌نشدنی که با‌ادای خاص بچه‌ها پان جمله‌هایش را می‌کشید، قند توی دلمان آب می‌کرد. تازه در مورد درس‌هایمان و قبولی در امتحانات پایان سال و این‌که نکنند تجدیدی آورده باشیم و… حرف‌هایی می‌زد و سؤال‌هایی می‌پرسید و بعد قول می‌داد برای این‌که از دست روپاه مکار و گربه‌نره راحت شود و پیش ما (توی نوار!) بماند، ماهی یک دفعه با برنامه‌های جدید سری به ما می‌زند. نادره سالارپور، همراه ناهید امیریان و مهوش افشاری از اولین صدایپشگانی هستند که در اوایل دههٔ ۱۳۵۰ رل بچه‌ها را می‌گفتند. متأسفانه نادره سالارپور، اوایل دههٔ ۱۳۶۰ به خارج از کشور مهاجرت کرد و صدایش را در کارتون‌های بعد از انقلاب کمتر شنیدیم. او در «بلفی و لی‌لی‌بیت» به جای لی‌لی بیت حرف می‌زد و کاراکتر پسرشجاع در قسمت‌های اولیهٔ این سریال کارتونی، جزو آخرین کارهایش در دوبله شد. بعد از آن، مهوش افشاری با لهجه‌ای مشابه، دوبلهٔ پسر شجاع را ادامه داد.

او دربارهٔ اولین حضورش در اتاقک ضبط صدای استودیو (باکس) می‌گوید: «اولین بار در استودیو تلویزیون فیلم وارد «باکس» شدم. یک اتاق تاریک بود مثل سینما که تصویر روبه‌روی آن، از صفحهٔ تلویزیون بزرگ‌تر بود. آن‌قدر هیچ‌ان زده بودم که فکر می‌کردم وقتی چراغ کسی نباید حرف اضافه بزند، حتی نفس هم نباید کشید!»

# ۸۹



## جیمبو، فرانچی

مهوش افشاری

## خانم کوچولو!

در «دهکده حیوانات»، دو تپ کاملاً متفاوت رویه مادر و برادر میلیا (از اعضای خانواده خوک‌های دماغ دراز) با صدای مهین برزویی است و فقط با مقایسه همین دو تپ متفاوت، به اعطاف صدایش پی می‌یرید. او در بیشترین کارتون‌هایی که بچه‌های همسن و سال ما با آن خاطره دارند، با صدای دلنشینش به جای «مادر»های داستان حرف می‌زد. در کارتون فراموش نشدنی «باربا پایا» نقش باربا مامان را می‌گفت. خانواده نه نفری بارباپایا، تخم مرغی شکل بودند (گردن نداشتند) و هر کدام یک رنگ بودند. اما خانم‌های خانواده، ظریف‌تر بودند و گردن داشتند. باربا مامان، مشکلی بود، و یک حلقه گل قرمز روی سرش بود. صدای مهین برزویی را اولین بار در «پسر شجاع» و روی چهره خانم کوچولو شنیدیم و وارد آرشو ذهنی مان کردیم و بعید می‌دانم حالا که سال‌ها گذشته و آن تپ روی کاراکترهای کارتون دیگری هم اجرا شده، صدا به نام شخصیت دیگری در حافظه‌مان باشد. او راجع به این که در دوبله به کارتون گویی و تپ‌سازی علاقه بیشتری دارد، می‌گوید: «یکی از دلایل مهم علاقه‌ام به کارتون گویی، این است که بچه‌ها را بی‌نهایت دوست دارم، سادگی و بی‌غلی و غشی شخصیت‌ها در کارتون حفظ می‌شود و کاراکترها، کودک صفت هستند. دلیل دیگر این که طنز را خیلی دوست دارم. در کارتون بیشتر می‌توان از تپ‌های کمیک استفاده کرد و دستت بازتر است.» مهین برزویی، ده پانزده سالگی است که مدیریت دوبلاژ می‌کند و مدیریت بسیاری از کارتون‌های اخیر تلویزیون را به عهده داشته است.

## باربامامان

مهین برزویی

## قهرمان کوچولو!

صدایش را می‌شنوید و بلافاصله خاطره بسیاری از قهرمان‌ها و نقش اول‌های کارتون برایتان زنده می‌شود. سنندباد در «ماجراهای سنندباد»، سباستین در «بل و سباستین»، هاج در «هاج زنبور عسل»، فلون در «خانواده دکتر ارنست»، نل در «دختری به نام نل»، آنت در «بچه‌های کوه‌آلب»، بند و بامزی، این همه شخصیت با صدای ناهید امیریان بودند و به همین دلیل صدایش برای ما به اندازه صدای خواهر و برادر همسن و سالمان، آشناست. اگر خاطره مجموعه کاست‌های چهل و هشت داستان سوپراسکوپ بودید و آن‌ها را جمع می‌کردید، یادتان می‌آید که ناهید امیریان در ابتدا و انتهای کاست با همان تپ آشنای سنندباد یا مثلاً جینا در «پینوکیو»، سایر داستان‌های این مجموعه را معرفی می‌کرد و آدرس شرکت انتشارش را می‌داد و ما متحیر می‌ماندیم که چطور ممکن است سنندباد از این جور مسائل باخبر باشد!

ناهید امیریان درباره کاهش میزان علاقه مردم به کارتون و محبوبیت کاراکترهای کارتون نسبت به گذشته می‌گوید: «آن موقع، فیلم‌های سینمایی به اندازه الان در دسترس نبود. ماهواره نبود و کامپیوتر وارد خانه‌ها نشده بود. حتی یادم می‌آید که مردم می‌نشستند و برنامه اقتصادی مرحوم مندوب هاشمی را با ولع تماشا می‌کردند. خب این سریال‌های کارتون هم مضامین خانوادگی داشتند و مردم آن‌ها را دوست داشتند. بزرگترها بیشتر از کوچکترها ماجرا را دنبال می‌کردند. اصلاً هنوز هم مردم، ما را با آن کاراکترها به یاد می‌آورند.» راجع به دوبله‌های خوب و موفق کارتون‌ها در گذشته می‌گوید: «آن موقع، حوصله برای ارائه کار خوب، بیشتر بود و دوبلورها وقت می‌گذاشتند، چیزی که در دوبله‌های فعلی رعایت نمی‌شود و در مدت یکی دو روز باید کار را تمام کنند. الان وقتی مدیریست دوبلاژ کاری به عهده من است به بچه‌ها می‌گویم که فقط جملات را فارسی نکنند. قشنگ حرف بزنند و حس داشته باشند.» گسر روزی افتخار حضور در باکس استودیو ضبط صدا را موقع رل گویی ناهید امیریان پیدا کردید، به نحوه نشستن‌اش پشت میز دوبلاژ (دو زانو و با پای برهنه) و حس و حال او موقع اجرای نقش دقت کنید، تا دلیل شسیرین زبانی «لوسی کوئین کامینگز» در «دختر خداحافظی» برایتان روشن شود.

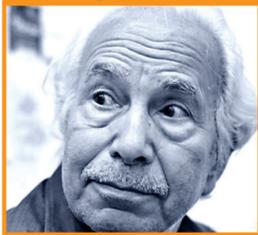


## یکی از دالتون‌ها!

بعد از انقلاب آن قدر که در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف حرف زده، کارتون نگفته است. در اولین سری لوک خوش شانس به جای یکی از دالتون‌ها حرف می‌زد. دوبلوری است که به جای بازیگران سرسخت و خشن مثل تلی ساوالاس و ارنت بورگناین حرف زده است و شاید باورتان نشود که خالق تپ‌های کارتون میکی ماوس بوده و بعد از انقلاب، هر تپ کارتون‌ی که از او در حافظه داریم، با صدایی بسیار ریز گفته شده است. یکی از کاراکترهای ماندگارش بابالویی در یوگی و دوستان است؛ همان اسب مکزکی کوچکی که همراه همیشگی کوییک درامک گر بود و می‌خواست شبیه او رفتار کند.

اگر با او هم صحبت شوید می‌فهمید که هنوز عاشق و شیفته کار برای کودکان است. می‌گوید که عاشق کارتون‌های قدیمی مثل گوریل انگوری و تپبی است که صادق ماهرو روی آن حرف زده، یا این که «معاون کلاتنر» و زوج صدای ایرج رضایی و میتو غزنوی را چقدر دوست دارد. نظرش درباره افت چشمگیر دوبله کارتون‌های فعلی، این است: «در گذشته، تمام کسانی که در دوبله به مقام و درجه استادی می‌رسیدند، تازه جرأت می‌کردند در کارتون حرف بزنند. اما حالا هر کس می‌خواهد دوره دوبله ببیند، می‌گویند بسرو کارتون بگو! یعنی کارتون برای گوینده‌های امروز، درجه صفر است و این تصور کارتون‌ها به فاجعه تبدیل شده‌اند.»

## بابالویی



جوادباز یاران

## تندپا



شوکت حاجت

## دختل مهلبون!

هر چه تپ‌بچه‌های بازیگوش و کمی تپل در کارتون‌های مختلف در ذهنتان مانده که با آن کلی حال کرده‌اید، با صدا و تپ‌سازی بی‌ظنیر شوکت حاجت است. او جزو معدود دوبلورهایی است که بعد از انقلاب وارد دوبله شد و خلاقیتش کاملاً اصیل بود. اگر «سفرهای مینی کومان» را می‌دیدید، به جای سگ‌گارو حرف می‌زد. اگر خاطرتان باشد در «دور دنیا در هشتاد روز»، آقای ولی فاگ خدمتگزار داشت به اسم ریگودون و او هم یک موش داشت به اسم تیکو که بیشتر وقت‌ها روی لبه کلاه ریگودون می‌نشست و یک جورهایی از او سواری می‌گرفت. به جای تیکو شوکت حاجت حرف می‌زد. او درباره گرایش‌اش به دوبله می‌گوید: «در دبیرستان کار تئاتر می‌کردم و نویسندگی و کارگردانی نمایش‌های طنز را انجام می‌دادم. هر سال هم جایزه تئاتر مال ما بود و برای همین، مجمع تئاتر عادت کرده بود به گروه ما. آن موقع یکی از دانشجویان صدا و سیما گفت که می‌خواهند از دانشجویان تست دوبله بگیرند و اگر می‌خواهی برو به جای من تست بده. من هم که مشغول درس خواندن بودم و از سینما هیچ چیز نمی‌دانستم. در طول یک هفته فرصت، مطالب را مروری کردم و رتم برای امتحان. تست‌های چند گزینش‌ای را از شما چه بپنهان، خوب جواب ندم. اما در قسمت عملی، اتفاق جالبی افتاد. خیلی اتفاقی به من گفتند که تپ کودک بگو و من هم که از امتحان خسته بودم، چون آن‌جا خیلی شلوغ بود، یکپو مثل بچه‌ها گفتم: «بابا من گشتم، می‌خوام برم غذا بخورم.» (تپبی توی مایه‌های فلیکس کینگ در «قصه‌های جزیره» به صدایش می‌دهد)، همه خندیدند و با این که تست‌های چند گزینش‌های را زیاد خوب ندم، من را پذیرفتند. تندپا را هم که در «ممول» یادتان هست که چقدر بانمک می‌گفت: «دختل مهلبون... دختل مهلبون!» او درباره تپ تند پا می‌گوید: «من از بچگی تخیلی قوی داشتم و همیشه فکر می‌کردم که آدم کوچولوها وجود دارند، و بین کارتون‌های قدیمی، عاشق «بلقی ولی لی بیت» بودم. برای همین تند پا را با عشق می‌گفتم. به طور کلی هر نقشی را که با تمام وجودم گفتم به چشم همه آمده و از آن‌ها راضی‌ام.» پیرو در «پسر کوهستان» و پنی در «کاراگاه گیجت» از کاراکترهای دیگری است که شوکت حاجت به جایشان حرف زده است.



## بارباپایا

حسین معمارزاده

## بروس لی کارتون‌ی!

زننده‌یاد حسین معمارزاده را نمی‌توان یک کارتون‌گو دانست، اما در چند سریال کارتون‌ی، نقش‌هایی را گرفته که در حافظه‌ها باقی مانده است. او در «بارباپایا» به سرپرستی امیرموشنگ قطع‌لای، نقش بارباپایا را می‌گفت و به همراه بارباماما (با صدای مهین برزویی) والدین آقای ولی فاگ خدمتگزار داشت به اسم ریگودون و او هم یک موش داشت به اسم تیکو که بیشتر وقت‌ها روی لبه کلاه ریگودون می‌نشست و یک جورهایی از او سواری می‌گرفت. به جای تیکو شوکت حاجت حرف می‌زد. او درباره گرایش‌اش به دوبله می‌گوید: «در دبیرستان کار تئاتر می‌کردم و نویسندگی و کارگردانی نمایش‌های طنز را انجام می‌دادم. هر سال هم جایزه تئاتر مال ما بود و برای همین، مجمع تئاتر عادت کرده بود به گروه ما. آن موقع یکی از دانشجویان صدا و سیما گفت که می‌خواهند از دانشجویان تست دوبله بگیرند و اگر می‌خواهی برو به جای من تست بده. من هم که مشغول درس خواندن بودم و از سینما هیچ چیز نمی‌دانستم. در طول یک هفته فرصت، مطالب را مروری کردم و رتم برای امتحان. تست‌های چند گزینش‌ای را از شما چه بپنهان، خوب جواب ندم. اما در قسمت عملی، اتفاق جالبی افتاد. خیلی اتفاقی به من گفتند که تپ کودک بگو و من هم که از امتحان خسته بودم، چون آن‌جا خیلی شلوغ بود، یکپو مثل بچه‌ها گفتم: «بابا من گشتم، می‌خوام برم غذا بخورم.» (تپبی توی مایه‌های فلیکس کینگ در «قصه‌های جزیره» به صدایش می‌دهد)، همه خندیدند و با این که تست‌های چند گزینش‌های را زیاد خوب ندم، من را پذیرفتند. تندپا را هم که در «ممول» یادتان هست که چقدر بانمک می‌گفت: «دختل مهلبون... دختل مهلبون!» او درباره تپ تند پا می‌گوید: «من از بچگی تخیلی قوی داشتم و همیشه فکر می‌کردم که آدم کوچولوها وجود دارند، و بین کارتون‌های قدیمی، عاشق «بلقی ولی لی بیت» بودم. برای همین تند پا را با عشق می‌گفتم. به طور کلی هر نقشی را که با تمام وجودم گفتم به چشم همه آمده و از آن‌ها راضی‌ام.» پیرو در «پسر کوهستان» و پنی در «کاراگاه گیجت» از کاراکترهای دیگری است که شوکت حاجت به جایشان حرف زده است.

## خواهران دوبلور

هر دوازده صداهای آشنای بعد از انقلاب هستند و کارشان را از اوایل دهه ۱۳۶۰ شروع کرده‌اند. اگر صداشناس حرفه‌ای و قدیمی هستنید، به نقش‌های زیادی را که در کارتون‌ها گفته‌اند، یادتان مانده. آرزینا یاراحمدی در «دهکده حیوانات» نقش ناتاشا را می‌گوید. در مجموعه «لولک و بولک» به جای لولک حرف می‌زد و در «بلقی ولی لی بیت» به جای ماکی حرف می‌زد. زریتا یاراحمدی در «سرمین کوچولوها» نقش ممول را می‌گفت و در «ماجراهای هاگلبری فین»، جای هاک حرف می‌زد. سالی، دوست ساده لوح و دست و پاچلفتی جودی آیوت در «بابا لنگ دراز» با صدای زریتا یاراحمدی است. محمد یاراحمدی، دوبلور و مدیر دوبلاژ پیش‌کسوت، پدر آرزینا و زریتا یاراحمدی است.

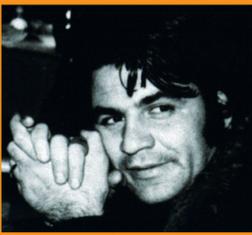
## ناتاشا، ممول



آرزینا و زریتا یاراحمدی



## مورچه



حسن عباسی

## بازرس تودماغی!

فقط یکی دو شخصیت کارتون‌ی را با صدای مرحوم حسن عباسی در حافظه داریم، اما همان‌ها برای هفت پشتمان کافی است. او سال ۱۳۵۹ درگذشت، اما دوبله سری پلنگ صورتی (بازرس کلوزو و مورچه و مورچه‌خوار) را برای ما گذاشت. او مدیریت دوبلاژ این مجموعه را به بارها بعد از انقلاب پخش می‌شد، انجام داد و با نوع گویش تاحدی زیر و کمی تودماغی به جای کاراکتر مورچه حرف می‌زد و در بخش‌های بازی کلوزو، با صدایی بم‌تر و توگلو افتاده به جای بازرس کلوزو، همراه احمد هاشمی تپ‌های مختلف اجرا کرده است. از انقلاب برای دوبله تپ‌های کم‌دی در سینما، مثل گروه مارکس استفاده می‌کرد. او تا پیش پدر بزرگ یک دنده و سرسخت نل را می‌گفت و از تپ مشهور و حالا به ورطه تکرار افتاده «جرمی لوتیسی» که اولین بار توسط حمید قنبری خلق شد، به جای لوتیس حرف می‌زد. دوستداران حرفه‌ای دوبله، تپ استن لورل‌اش را در کنار صدای مرحوم عزت‌الله مقبلی برای ایوب هاردی، می‌پرستند و تا الان جایگزین مناسبی را برای دوبله لورل و هاردی نپذیرفته‌اند.

## خواهران دوبلور

هر دوازده صداهای آشنای بعد از انقلاب هستند و کارشان را از اوایل دهه ۱۳۶۰ شروع کرده‌اند. اگر صداشناس حرفه‌ای و قدیمی هستنید، به نقش‌های زیادی را که در کارتون‌ها گفته‌اند، یادتان مانده. آرزینا یاراحمدی در «دهکده حیوانات» نقش ناتاشا را می‌گوید. در مجموعه «لولک و بولک» به جای لولک حرف می‌زد و در «بلقی ولی لی بیت» به جای ماکی حرف می‌زد. زریتا یاراحمدی در «سرمین کوچولوها» نقش ممول را می‌گفت و در «ماجراهای هاگلبری فین»، جای هاک حرف می‌زد. سالی، دوست ساده لوح و دست و پاچلفتی جودی آیوت در «بابا لنگ دراز» با صدای زریتا یاراحمدی است. محمد یاراحمدی، دوبلور و مدیر دوبلاژ پیش‌کسوت، پدر آرزینا و زریتا یاراحمدی است.

## ناتاشا، ممول



آرزینا و زریتا یاراحمدی



## آقای اقتصادی و همسرش

زننده یاد احمد هاشمی را می‌شناسید، همان «آقای اقتصادی». برنامه «سیمای اقتصاد» زمانی پخش می‌شد که تلویزیون از نداشتن برنامه‌های جذاب رنج می‌برد و آتم‌های طنزش در آن برهوت برنامه، تماشاچیان زیادی را برای خود دست و پا کرده بود و بازیگرانی مثل محمد شیری در این آتم‌ها بازی می‌کردند. شاید آن موقع کمتر کسی می‌دانست که «آقای اقتصادی» با آن ظاهر جدی و «مجری گونه»‌اش، در کارتون‌های زیبای همان دوره، با صدای خود، تپ‌های مختلفی را اجرا می‌کرد. مرحوم هاشمی کاراکترهای میناسال و با تجربه کارتون‌ها را عالی می‌گفت. در «بنر، سنجاب کوچولو» به جای رییس سنجاب‌ها که سیلی‌های پریشانی داشت و دائم حواسش بود که باقی سنجاب‌ها توی چه دردرس‌هایی افتاده‌اند، حرف می‌زد و با تپبی مشابه در «موش کوهستان» نقش جغد پیر را می‌گفت. احمد هاشمی در سریال داستانی «سال‌های دور از خانه» با مدیریت دوبلاژ زاله علوه، نقش اجین را می‌گفت. زهرا آقارضا، همسر مرحوم هاشمی، از دوبلورهای خلاق و تپ‌سازی است که غیر از تبحر در گفتن رل زن‌های میناسال و تاناداهای شسیرین زبان، همراه احمد هاشمی تپ‌های مختلفی اجرا کرده است. در «دهکده حیوانات» به جای مادر میشا حرف می‌زند و نقش بچه‌گره‌ای که در تیم خلاف دراگو (بچه بیر) است را هم اجرا می‌کند و نقش دراگو با تپ‌سازی مرحوم هاشمی است. زهرا آقارضا در «بنر سنجاب کوچولو» به جای یکی از سنجاب‌ها حرف می‌زد که تی شرت راه‌راهی به تن داشت و همیشه با بنر لجبازی می‌کرد. او در «فاشق سحر آمیز» نقش خاله‌ریزه را می‌گوید و با تپبی مشابه در سریال «قصه‌های جزیره» به جای خانم پگ بوون (سسوزان کاکس) و موریل استیسی (مرلین لایت استون) حرف می‌زند.

## خاله‌ریزه، جغد پیر

زهرا آقارضا، احمد هاشمی

## هر چی دلم می‌خواست می‌گفتم!

به جای مسؤول برج مراقبت در «جیمبو» حرف می‌زد و همیشه جیمبو روی اعصابش بود. لاید یادتان هست که در تیزراژ، چطور یکپو جیمبو فرود می‌آمد و شیشه‌های برج از شدت صدا خرد می‌شد. اما شاهکار توج نصر، تپ شبپور چی در «پسر شجاع» است. کاراکتر ظاهری شبپور چی این بود: لباس مسخره صورتی به تن داشت که یک خط آبی (به شکل موج) و وسطش بود و همیشه یک شبپور با دهانه کج و معوج به گردنش آویزان بود. توج نصر از همین شمایل ظاهری ساده به آن تپ فراموش نشدنی رسید. در «دهکده حیوانات» به جای رویه پدر می‌گفت، همان که پایه همیشگی نقشه‌های پدر در راگو (بیر پدر) بود. او در میان صداهای آشنا، چهره آشنایی هم دارد و در نمایش‌های طنز تلویزیونی، آقای شهروندی را اجرا می‌کرد و در جنگ‌های طنز مرحوم منوچهر نوردی حضور داشت. او درباره زبانی‌ها و جذابیت‌های کارتون می‌گوید: «اگر کارتون، خوش ساخت باشد، بچه‌ها را جذب می‌کند. چون آن‌ها شیطنتهای خودشان را در شخصیت‌های کارتون‌ی می‌بینند.» توج نصر از بچگی برای خودش توتویی (پسر کوچولو ی عشق فیلم سینما پارادیزو) بوده: «آن موقع در خانه‌ها از تلویزیون خبری نبود و فقط رادیو داشتیم و من عاشق سینما بودم، اما پدرم در ماه شاید فقط یکی دو بار من را به سینما می‌برد. یک بار هم که یواشکی، تنها به سینما رفتم، بعدش کتک حسابی‌ای از دست او خوردم... توی محل و مدرسه تئاتر اجرا می‌کردم. معلم موسیقی‌ام از کارهای من خوشش می‌آمد و مشوق‌ام بود (توج نصر، زمانی نوازنده درامز بوده) تا این که با دوبله آشنا شدم و فهمیدم که یکی از نزدیکانم (مرحوم محمود نوربخش) در این کار است. یک سال مثل سایه تعقیبش کردم، هر جا می‌رفت همراهش بودم تا بالاخره توانستم دوبلور بشوم و البته موسیقی را به خاطرش رها کردم.» از نظر او یک کارتون گوینده شیطنتهای بچگی‌اش را داشته باشد: «اگر آن شیطنتهای باقی نمانده بود که شخصیت‌های کارتون‌ی آن قدر خوب نمی‌شدند، الان تمام همکارانم می‌دانند که من هنوز هم چقدر شیطنتهای می‌کنم.» او می‌گوید که بین تمام کاراکترهای کارتون‌ی که حرف زده، شبپور چی را خیلی دوست دارد: «شیطنتهای عجیب و غریبی داشت و من هم هرچه داشتم خالی می‌کردم، هر چه دلم می‌خواست می‌گفتم!»

## شبپور چی

توج نصر



## دوبلور ها

## کمپانی خنده

پدر تاک را در «رابین هود» یادتان هست؟ یک‌بار که داروغه مثل همیشه برای جمع کردن مالیات زور کی از مردم ناتینگهام به کلیسایش آمده بود، با شکم او را به بیرون کلیسا هل داد و گفت: «از کلیسای من بسرو بیرون!» تپ و صدای برونکا این آب همه جیب و داد جویین هم که تابلو است. اما بیسن تمام شخصیت‌های کارتونی که مهدی آرین‌نژاد صدایشان را خلق کرده، مورچه‌خوار مفلوک و بدشانس‌های کارتون «مورچه و مورچه خوار» در مجموعهٔ «پلنگ صورتی»، چیز دیگری است. تکیه کلام‌های «سلام مورچه!» و «سلام سوسیس!» هنوز هم بین بر و بچه‌های خورهٔ کارتون آن سال‌ها سه کار می‌رود. بازرس دودو هم که با آن لباس قرم پلیس فرانسه برای خودش شاکاری بود. او همیشه در مأموریت‌ها به بازرس کلوزوی بیچاره می‌گفت: «بازرس اگر کاری داشتی فقط سوت بزَن.» و بازرس هم که مهلت سوت زدن نداشت، ناکار می‌شد.

● **اولین تپ سازی‌ای که در کارتون‌ها انجام دادید، کی بود؟**
اولین را که فراموش کرده‌ام، چون از سال ۱۳۴۲ که استودیو کاسپین تأسیس شد، سریال‌های کارتونی و داستانی زیادی برای دوبله و پخش از تلویزیون به آن‌جا می‌آمد و ما هم در آن‌ها حرف می‌زدیم. فکر کنم کارتون «کمپانی خنده» جزو اولین کارهایی است که در آن تپ سازی کردم.

● **در میان تمام کاراکترهای کارتونی که حرف زده‌اید، کدام یک را بیشتر دوست دارید؟**

مورچه‌خوار …

● **در همان مجموعه و در قسمت‌های بازرس کلوزو با تپیی متفاوت به جای بازرس دودو حرف می‌زدید.**

بله با دو تپب کاملا متفاوت در این مجموعه می‌گفتم. صدای بم مورچه خوار را با صدای زیر دودو مقایسه کنید. این از ویژگی‌های تپب گویی است.

● **برای رسیدن به این تپ‌ها از صدای اصلی کمک گرفتید؟**
تا اندازهای از صدای اصلی کمک گرفتم و یکی دو تپب را برای مرحوم حسن عباسی که مدیر دوبلاژ کارتون‌بود و نقش‌های مقابل‌ام را می‌گفت، اجرا کردم که او این تپب را انتخاب کرد.

● **تکیه کلام‌ها چطور؟ در متن اصلی بود یا اضافه کردید؟**

عبارت‌ها همه در متن اصلی وجود داشت و من باید نحوهٔ گویش آن‌ها را رعایت می‌کردم. ساختن یک تپب خاص، یک مسأله است و حالت بیان آن یک چیز دیگر است که اگر رعایت نشود باز هم کارت را خراب می‌کند.

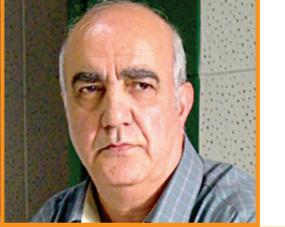


# ۹۲

## پدر پسر شجاع!

با این که کارتون گوئیست و صدایش را بیشتر به جای نقش مکمل‌های بزرگ سینما مثل رابرت دووال و کلود رینز شنیده‌ایم، اما به جای یکی از خاطره انگیزترین کاراکترهای کارتونی آن موقع حرف زده است. پرویز ربیعی با تپیی متفاوت با سایر کارهایش به جای پست پستی حرف می‌زد. هر روز پت همراه گر به‌اش جسی، نامه‌ها را از خانم گاگینز، مسؤؤل دفتر پست دریافت می‌کرد و با ماشین قرمز رنگش که روی آن نوشته شده بود Royal Mail، آن‌ها را در سراسر دهکدهٔ گرین دیل پخش می‌کرد. او دربارهٔ کاراکترهای کارتونی که به جایشان حرف زده می‌گوید:«علاقهٔ زیادی سه کارتون گویی ندارم. اما نقش‌های کارتونی را که گفتم دوست دارم، آن موقع آقای افشار به از من خواستند در کارتون «پسر شجاع» به جای پدر پسر شجاع حرف بزنم و سال‌ها بعد هم در سریال «وروجک و آقای نجار»، نقش آقای نجار را گفتم و هر دو نقش بین مردم و علاقه‌مندان بازتاب خوبی داشت، وروجک با آقای نجار آن قدر سریع حرف می‌زدند که من فقط سعی می‌کردم خودم را برسانم تا این که بخواهم مثلا مز‌های، چیزی ببرانم. در مورد پدر پسر شجاع هم که دوستان، اصلا جو کیش را می‌گویند، همان که اگر پسر شجاع به دنیا نمی‌آمد، اسم پدر پسر شجاع چه می‌شد.» پرویز ربیعی در «دهکدهٔ حیوانات» با مدیریت دوبلاژ ژاله علو، به جای پدر میشا با تپیی مشابه با پدر پسر شجاع حرف می‌زد. اما میان دوستداران صدای ربیعی که تعدادشان هم کم نیست نقش پدر پسر شجاع، جایگاه ویژه‌ای دارد. او دربارهٔ دوبلهٔ کارتون‌های جدید که به لهجه و ادا متوسل می‌شوند و مقایسهٔ آن‌ها با یک دوبلهٔ خوب و ماندگار، می‌گوید: «این سه کاراکترهای کارتونی با لهجه‌های مختلف شهرستانی دوبله شوند یک بدعت نیست، یک دوبلور واقعی تمام این کارها را می‌تواند انجام دهد. کدام یک از دوبله‌های عالی کارتون‌ها در گذشته، این روش را برای این که مردم پسند بشود، استفاده می‌کردند؟ دوبله با لهجه، سال‌ها پیش امتحان شد و تاریخ مصرفش تمام شد. الان باید به دنبال چارهٔ دیگری برای جذب بچه‌ها باشیم. متأسفانه امروزه مردم ما هم ساده‌پسند شده‌اند، برای این که کارتون‌های زیبای قدیمی کمتر برایشان پخش می‌شود.»

## پت پستیچی



پرویز ربیعی



## پاسبان گل گندم

عباس سعیدی

## دندانپزشک آقای پتی بل!

دکتر دیتون بی‌رمق و خمودهٔ کارتون مهاجران را که توی کلبهٔ کوچکی در مزرعهٔ خانوادهٔ لوسیمی زندگی می‌کرد، یادتان هست؟ او نداشت راه برد چه برسد به این که کیف دستی‌اش را که لوازم پزشکی تویش بود همراهش بکشاند. این که دکتر دیتون فلک‌زده دچار چه دربی درمانی است، دغدغهٔمان شده بود. چه می‌دانستیم که دکتر در واقع دائم‌الخمر تشریف داشت! یک بار هم که حالش بدگ نبود، دندان‌های پتی‌بل را با گازانبر کشید! مرحوم عباس سعیدی با صدا و نحوهٔ بیان منحصر به فردی که معمولا آخر کلمه‌هایش را می‌کشید، دکتر دیتون را گفت. او در باغچهٔ سبزیجات به جای پاسبان گل گندم حرف می‌زد، همان کاراکتری که دائم مراقب بود افراد ناشناس وارد باغ نشوند و حتی شوه هم ازش حساب می‌برد. در معاون کلانتر به جای کلانتر حرف می‌زد و از معاون، حسابی کار می‌کشید و سر خودش بیشتر گرم کارخانهٔ یخ‌سازی‌اش بود. مرحوم سعیدی از سال ۱۳۸۱ که دچار یک حادثهٔ رانندگی شد دیگر نتوانست دوبله کند و در زمستان ۱۳۸۴ درگذشت، روحش شاد.

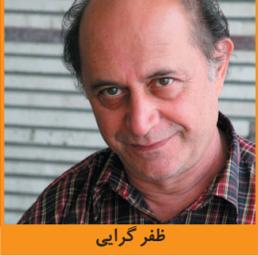
● **این علاقهٔ شما به کارتون، به‌زمان کودکی‌تان برمی‌گردد؟**
نه، چون آن موقع بیشتر خانواده‌ها وضعیت مالی خوبی نداشتند و تلویزیون و رادیو در همهٔ خانه‌ها وجود نداشت و ما هم نداشتیم. وقتی هم که شروع می‌کشید و سر خودش بیشتر گرم کارخانهٔ یخ‌سازی‌اش بود. مرحوم سعیدی از سال ۱۳۸۱ که دچار یک حادثهٔ رانندگی شد دیگر نتوانست دوبله کند و در زمستان ۱۳۸۴ درگذشت، روحش شاد.

● **چرا اهالی دوبله مثل گذشته به دوبله کارتون بهمانی دهند؟**

متأسفانه این درست است. الان در خارج از کشور، گویندگی کارتون اهمیت ویژه‌ای دارد و برای این کار حتی از صدای بازیگران بزرگی چون داستین هافمن و تام هنکس استفاده می‌شود. قطعا دست‌مزد بالایی هم به آن‌ها می‌دهند. اما در ایران، این‌گونه نیست و دوران اوج دوبلهٔ کارتون، با عشق و علاقهٔ خود گویندگان حاصل شد.



## علی بابا



ظفر گرایبی

## جوانِ جسور

اگر با او هم صحبت شوید، خاطرهٔ تمام‌نوجوان‌های قهرمان کارتون‌ها فیلم‌هایی که در عالم بچگی یک جورهایی الگوتپان بوده‌اند و دوستشان داشته‌اید و همیشه دلتان می‌خواست که وقتی بزرگ‌تر شدید مثل آن‌ها بشوید، یک مرتبه در ذهنتان جان می‌گیرد. جالب است که همیشه در تمامی آن کارتون‌ها، یک شخصیت همسن آن موقع مادر داستان بود که وضعیت‌اش مثل ما بود. دقیقسا منظورم کارتون «پانزده پسر» و کاراکتر محبوب(شایدان موقع!) داناوان است.ظفر گرایبی در «ماجراهای گالیور»، به جای ادگار حرف می‌زد، یکی از آدم کوچولوها که مثلا نامی دانستیم با فلز تیشیاسر و سری دارد. بر و بچه‌های قدیمی‌تر، در سفر با دوستان و دوست صمیمی بودند و با مسافرت می‌کردند و انگوری مجبور بود روی سقف فولکس بنشیند. ما هرو، تپ‌های جذاب دیگری هم خلق کرده، در «یوگی و دوستان» به جای سه کاراکتر محبوب کارتونی کمپانی هانا-باربرا حرف زده که به گفتهٔ ما هرو پیش از دوبله و پخش یوگی، آن‌ها جدا و در قالب داستان‌های دیگری پخش می‌شدند و او با همان لحن سه جایشان حرف می‌زد.

● **این علاقهٔ شما به کارتون، به‌زمان کودکی‌تان برمی‌گردد؟**
نه، چون آن موقع بیشتر خانواده‌ها وضعیت مالی خوبی نداشتند و تلویزیون و رادیو در همهٔ خانه‌ها وجود نداشت و ما هم نداشتیم. وقتی هم که شروع می‌کشید و سر خودش بیشتر گرم کارخانهٔ یخ‌سازی‌اش بود. مرحوم سعیدی از سال ۱۳۸۱ که دچار یک حادثهٔ رانندگی شد دیگر نتوانست دوبله کند و در زمستان ۱۳۸۴ درگذشت، روحش شاد.

● **چرا اهالی دوبله مثل گذشته به دوبله کارتون بهمانی دهند؟**

متأسفانه این درست است. الان در خارج از کشور، گویندگی کارتون اهمیت ویژه‌ای دارد و برای این کار حتی از صدای بازیگران بزرگی چون داستین هافمن و تام هنکس استفاده می‌شود. قطعا دست‌مزد بالایی هم به آن‌ها می‌دهند. اما در ایران، این‌گونه نیست و دوران اوج دوبلهٔ کارتون، با عشق و علاقهٔ خود گویندگان حاصل شد.

## بیگلی بیگلی



اصغر افضلی

## گوریل انگوری

صادق ماهرو

## انگوری انگوری!

یاداوری صدا و تپیی که صادق ماهرو برای گوریل انگوری خلق کرده، به تنهایی نشان می‌دهد که چقدر آن زمان سه کارتون‌ها و دوبله‌شان بها داده می‌شد. گوریل بنفش پانزده متری دوست‌داشتنی که یک کت سبز رنگ با پاپیون مشکی و یک کلاه داشت و با یک سگ سه‌نام بیگلی بیگلی که بر خلاف اسمش جنهٔ کوچکی داشت، دوست صمیمی بودند و با فولکس واگن طبعسا کوچک بیگلی بیگلی مسافرت می‌کردند و انگوری مجبور بود روی سقف فولکس بنشیند. ما هرو، تپ‌های جذاب دیگری هم خلق کرده، در «یوگی و دوستان» به جای سه کاراکتر محبوب کارتونی کمپانی هانا-باربرا حرف زده که به گفتهٔ ما هرو پیش از دوبله و پخش یوگی، آن‌ها جدا و در قالب داستان‌های دیگری پخش می‌شدند و او با همان لحن سه جایشان حرف می‌زد.

● **این علاقهٔ شما به کارتون، به‌زمان کودکی‌تان برمی‌گردد؟**
نه، چون آن موقع بیشتر خانواده‌ها وضعیت مالی خوبی نداشتند و تلویزیون و رادیو در همهٔ خانه‌ها وجود نداشت و ما هم نداشتیم. وقتی هم که شروع می‌کشید و سر خودش بیشتر گرم کارخانهٔ یخ‌سازی‌اش بود. مرحوم سعیدی از سال ۱۳۸۱ که دچار یک حادثهٔ رانندگی شد دیگر نتوانست دوبله کند و در زمستان ۱۳۸۴ درگذشت، روحش شاد.

● **چرا اهالی دوبله مثل گذشته به دوبله کارتون بهمانی دهند؟**

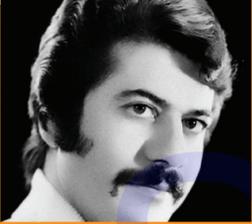
متأسفانه این درست است. الان در خارج از کشور، گویندگی کارتون اهمیت ویژه‌ای دارد و برای این کار حتی از صدای بازیگران بزرگی چون داستین هافمن و تام هنکس استفاده می‌شود. قطعا دست‌مزد بالایی هم به آن‌ها می‌دهند. اما در ایران، این‌گونه نیست و دوران اوج دوبلهٔ کارتون، با عشق و علاقهٔ خود گویندگان حاصل شد.



## هیس… هییییس!

علاقه‌مندهای سینما، صدایش را با چهرهٔ وودی آلن تداعی می‌کنند. اصغر افضلی به طور کلی در کارتون و سینما بیشتر تپ‌های کمیک ارائه می‌کند. سگ ریز نقش و رفیق صمیمی گوریل بنفش پانزده متری، یعنی بیگلی بیگلی که تفاوت بین اسم و جته‌اش، ماجرا را با مزه‌تر می‌کرد و اصغر افضلی با صدایی کوچک و ریز‌تر از حد معمول، در مقابل صدای فوق‌العاده بم صادق ماهرو به‌جای انگوری، استادانه اجرایش می‌کرد، از کارهای اوست. دوبلهٔ «گوریل انگوری و بیگلی بیگلی» قبل از انقلاب و با مدیریت امیر قطعه‌ای انجام شد و افضلی مدتی بعد از انقلاب، با تپیی مشابه به جای کاراکتر روباه در «پسر شجاع» حرف زد، روباهسی که در تیم خلاف خرس قهوه‌ای و ششیورچی بود و همگی از گرک پسری که در غار زندگی می‌کرد، حساب می‌بردند. طرفداران پر و پا قرص صدای افضلی، «ماجراهای وروجک و آقای نجار» و تپ‌سازی‌اش به جای وروجک را وچ کارهای او می‌دانند. شاید یکی از دلایل مهم این انتخاب، بداهه‌پردازی‌های زیاد استاد افضلی موقع اجرای این نقش باشد. اما جاودانه‌ترین کاراکتر کارتونی که اصغر افضلی به جای آن حرف زده، برنس جان در «رابین هود» است. او توانسته با تغییر در نوع گویش و لحنش، شخصیت بزدل و «بچه‌ننهٔ» پادشاه را اجرا کند. یادتان هست که با چه لحنی به «سر هیس» می‌گفت: «هیس…هییییس!» یکی دیگر از اجراهای بی‌نظیر او در «گره‌های اشرافی» و به جای خدمتکار شرور خانه، ادگار، است که چشم این را نداشت ببیند خانم صاحب گره‌به‌های اشرافی، تمام ثروتش را برای گره‌ها گذاشته و چیزی به او نمی‌رسد. یکی از کاراکترهای کارتونی به یاد ماندنی با صدای اصغر افضلی، شلمان در «بامزی» است. همان لاک پشت خونسردی که اگر آسمان به زمین می‌آمد، ککاش هم نمی‌گریزد. در «پلغی و لی لی بیت» به جای ماجر پیچ حرف می‌زد. ضمن این که مدیریت دوبلاژ کارتون‌هایی مثل «قلعهٔ هزار ارک و کارا گاه گجت» (با گویندگی خود او) را انجام داده است.

## تنسی تاکسیدو



مهدی آزریر

### نابغه گویندگی کارتون

«تنسی تاکسیدو هرگز شکست نمی‌خورد».

غیرممکن است تپیی را که زنده‌یاد مهدی آزریر برای گفتن این جملهٔ معروف تنسی در «تنسی تاکسیدو و چاملی» با صدایش ساخته بود، فراموش کرده باشید. بیشتر شخصیت‌های کارتونی آن موقع که صدایی زیر داشتند، تپیشان با صدای مهدی آزریر خلق شد. یادتان می‌آید که شیلادر «ماجراهای سندباد»، چطوری می‌گفت: «سندباد ژونم!» یا آن موش کور در «معاون کلانتر» که برای سر کار گذاشتن و دست‌انداختن معاون کلانتر، پایهٔ همیشگی ماسکی بود. مهدی آزریر در ماجراهای گالیور به جای بانکو حرف می‌زد. یکی از لی‌لی‌پوتی‌هایی که از همه قدش بلندتر بود و یک کلاه سرش داشت. مرحوم آزریر، مدیر دوبلاژ بیشتر سریال‌های عروسکی خوب آن موقع برنامهٔ کودک مثل «هادی و هدی» بود و به جای پدر هادی و هدی هم حرف می‌زد. اگر از بچه‌های برنامهٔ کودک بین‌اقدیمی‌تر هستم، سربال عروسکی «نخودی» را مطمئنا دیده‌اید. مهدی آزریر علاوه بر مدیریت دوبلاژ این مجموعه با صدایی خیلی ریزش به جای نخودی حرف می‌زد. او خالق تپ‌های زیادی مثل داندل داگ، باگسز بانو، وودی وودی بکر بوده و همه‌از او به‌عنوان یکی از نابغه‌های گویندگی کارتون نام می‌برند. به خاطر علاقهٔ زیادی که به کارتون و شخصیت‌هایی که به جایشان حرف زده داشت، نام یکی از دخترانش راشیلا گذاشت. شیللا آزریر، گوینده‌است.

# ۹۳

# Saeedsun.ir

همشهری جوان

شمارهٔ ۸۳ ● ۱۱ شهریور ۸۵



